



Violence against Women in Online Social Networks; Identification of Species, Psychological Injuries and Response Strategies

Ehsan Salimi Ghalei^{1*}, Ayda Hosseinzadeh Ghadim², Sepideh Bouzari¹

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Maragheh University, Maragheh, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Law, Tabriz University, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Online social networks have provided a unique platform for two-way communication and virtual interactions. Along with the benefits and facilities provided by these social networks, one should not neglect its dark side, which is the list of crimes in this environment. According to the available statistics and information, not only women are the biggest victims of crimes in social networks, but the vulnerability and injuries caused by women's victimization in social networks are more than the vulnerability of men.

Method: The present article, using the descriptive-analytical method and using library sources, is responsible for identifying examples of violence against women in online social networks and its effects on them and explaining some strategies for responding to the problem.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The findings of this research show that female users of social networks who are abused may suffer irreparable mental and physical injuries to the extent that it leads to their death or suicide.

Conclusion: The result obtained from the article is that in order to deal effectively with violence against women in social networks, attention should be paid to the prevention of the passing of awareness to the victims, the intensification of punishment and discrimination based on gender, and attention to the wishes of the victim and the need of the criminal in the paradigm of restorative justice.

Keywords: Social Networks; Victimization of Women; Gender-Based Crimes; Violence; Restorative Justice

Corresponding Author: Ehsan Salimi Ghalei; **Email:** e.salimi@maragheh.ac.ir

Received: March 14, 2024; **Accepted:** April 27, 2024; **Published Online:** July 20, 2024

Please cite this article as:

Salimi Ghalei E, Hosseinzadeh Ghadim A, Bouzari S. Violence against Women in Online Social Networks; Identification of Species, Psychological Injuries and Response Strategies. *Medical Law Journal*. 2024; 18: e11.



خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی بر خط؛ شناسایی گونه‌ها، صدمات روانی و راهبردهای واکنشی

احسان سلیمی قلعه‌ئی*¹، آیدا حسین‌زاده قدیم²، سپیده بوذری¹

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شبکه‌های اجتماعی آنلاین بستری بی‌نظیر برای ارتباطات دوسویه و تعاملات مجازی فراهم آورده است. در کنار مزایا و تسهیلاتی که به واسطه این شبکه‌های اجتماعی فراهم شده است، نباید از نیمه تاریک آن، یعنی سیاهه جرائم در این محیط غافل شد. بنا بر آمار و اطلاعات موجود نه تنها زنان بزرگ‌ترین بزه‌دیده جرائم در شبکه‌های اجتماعی هستند، بلکه آسیب‌پذیری و صدمات ناشی از بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی بیش از آسیب‌پذیری مردان است.

روش: نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، متکفل شناسایی مصادیق خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی برخط و آثار آن بر ایشان و تبیین برخی راهبردهای پاسخ‌دهی به مسأله است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش گویای این مطلب است که کاربران زن شبکه‌های اجتماعی که مورد بزه واقع می‌شوند ممکن است دچار صدمات روحی - روانی جبران‌ناپذیری شوند تا آنجا که به مرگ یا خودکشی آن‌ها بینجامد.

نتیجه‌گیری: نتیجه به دست آمده از مقاله، آن است که برای مقابله کارآمد در مقابل خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی اهتمام به پیشگیری از رهگذر آگاهی‌بخشی به بزه‌دیدگان، تشدید مجازات و افتراقی‌سازی مبتنی بر جنسیت و توجه به خواست بزه‌دیده و نیاز بزه‌کار در پارادایم عدالت ترمیمی ضروری است.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی؛ بزه‌دیدگی زنان؛ جرائم مبتنی بر جنسیت؛ خشونت؛ عدالت ترمیمی

نویسنده مسئول: احسان سلیمی قلعه‌ئی؛ پست الکترونیک: e.salimi@maragheh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Salimi Ghalei E, Hosseinzadeh Ghadim A, Bouzari S. Violence against Women in Online Social Networks; Identification of Species, Psychological Injuries and Response Strategies. Medical Law Journal. 2024; 18: e11.

مقدمه

اینترنت در قرن حاضر رشد سریعی داشته است و تقریباً در هر وجهی از جامعه پیشرفت‌هایی را سرعت بخشیده است (۱). با این همه، این پدیده نوظهور نیمه تاریکی نیز دارد، چه آنکه بخشی از بزه‌کاران فعالیت مجرمانه خود را به فضای سایبر منتقل کرده‌اند یا از رهگذر چنین فضایی، مرتکب جرم یا جرائمی می‌شوند (۲). گمنامی و ناشناس بودن مرتکبان، ناملموس بودن و سیال بودن جرم سایبری، بالابودن رقم سیاه این دسته جرائم، فرامولی بودن و عدم تعلق به مکان خاص جغرافیایی، از جمله مواردی است که هزینه جرم در فضای مجازی را کاهش داده است (۳) و دریچه‌هایی به روی جرائم جدید گشوده است که نه تنها مرزها، محدوده‌ها و حریم‌ها را به چالش کشانده، بلکه متصدیان عدالت کیفری را مستأصل نموده است.

در میان فضاهاى مختلف سپهر سایبر، یکی از جذاب‌ترین محیط‌ها شبکه‌های اجتماعی آنلاین است در شبکه‌های اجتماعی، کاربران می‌توانند خودشان، پروفایل‌های خود را ایجاد کنند و اسامی، محل سکونت، اطلاعات تحصیلی و علاقمندی‌های خود را به نمایش بگذارند و مطابق آن دوستان جدیدی بیابند و یا دوستان مدت‌ها غایب خود را باز یابند. گروه بزرگی از کاربران شبکه‌های اجتماعی زنان هستند. اجتماعی‌سازی سایبری از طریق شبکه‌های اجتماعی، به کاربران زن کمک می‌کند تا نیازهای عاطفی، مشکلات شخصی، مهارت‌های آشپزی و ترفندهایی برای نگهداری از کودکان و مراقبت از سلامتی در زمان بارداری و مسائل بعد از بارداری خود را با دوستان هم‌فکر خود به اشتراک بگذارند. این کاربران زن، این‌گونه نیازها، ترفندها و حتی دغدغه‌های ذهنی خویش را یا با نوشتن بر روی صفحه‌های برخی گروه‌ها و محل‌های اجتماع مجازی یا بر روی صفحه‌های پروفایل دوستانشان، با دوستان مجازی خود به بحث می‌گذارند، هرچند شبکه اجتماعی، پنجره‌ای وسیع به سوی اجتماعی‌سازی زنان گشوده‌اند، ولی در عین حال سرآغازی برای جرائم گوناگون علیه زنان در فضای مجازی نیز شده‌اند.

تا آنجا که زنان و دختران ۱۸ تا ۲۴ سال بیشترین قربانیان خشونت در فضای مجازی شناخته شده‌اند (۴). علاوه بر گستره و کثرت بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر، آثار و نتایج بزه‌دیدگی نیز تفاوت قابل توجهی دارد. بزه‌دیدگی سایبری مردان، عموماً بر خسارت و زیان اقتصادی تمرکز دارد، در حالی که معمولاً «جنس بزه‌دیدگی زنان» از نوع عاطفی - حیثیتی است و مستقیم آبروی آنان را نشانه می‌گیرد. علاوه بر این، از حیث روان‌شناختی، «طاقت تحقیر برخط» در بزه‌دیده زن به مراتب پایین‌تر از بزه‌دیده مرد است. بزه‌دیدگی ممکن است زن را غرق در احساس خجالت و تنفر از خود کند و او را به سمت سرنوشت ناخوشایندی رهنمون سازد. آنچه که بر وخامت بزه‌دیدگی زنان می‌افزاید، «بازتاب اجتماعی بزه‌دیدگی» است، چه آنکه از نظر اجتماع بزه‌دیدگی مردان به راحتی توجیه می‌شود، اما شاید در برخی موارد سرزنش اجتماع بر زن بزه‌دیده به اندازه فرد بزه‌کار باشد. همچنین در جرائم علیه زنان، احتمال ارتکاب جرائم دیگری در جهت «انتقام یا اختفای بزه‌کاری» به مراتب بیشتر است. در بسیاری از موارد شخص بزه‌دیده یا اطرافیان او نهاد رسمی دادگاه را برای احقاق حق ناکافی می‌دانند و رأساً اقدام به انتقام از بزه‌کار می‌نمایند و یا شخص بزه‌کار با سوءاستفاده از وضعیت خاص بزه‌دیده زن، به اخفای جرم می‌پردازد. نباید فراموش کرد بزه‌دیدگی زنان علاوه بر آنکه بر سلامت جسمی، روحی، روانی و ذهنی آنان اثرات نامطلوبی باقی می‌گذارد، گاهی دامن‌گیر سایر افراد خانواده شده و آنان را نیز به قربانیان غیر مستقیم جرم تبدیل می‌کند و در درازمدت باعث افزایش ترس از جرم و نگرانی از قربانی شدن در آن‌ها شده و زندگی آنان را در هاله‌ای از ترس و تردید فرو می‌برد (۵)، لذا می‌توان ادعا کرد یک سیاست جنایی سنجیده و جامع اقتضای توجه بیشتر به بزه‌دیدگی زنان را دارد. در این راستا نوشتار حاضر درصدد است با معرفی مصادیق نوین خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی و شناسایی ابعاد این خشونت بر زنان به راهبردهای پاسخ به مسأله دست یابد. به این ترتیب محور مباحث این نوشتار پاسخ‌هایی به این پرسش‌هاست که اولاً گستره خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی تا چه میزان است؟ ثانیاً

علیه بانوان به صورت افتراقی و مشدد در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نموده است، لکن ماده مذکور اختصاص به خشونت در فضای مجازی ندارد. این در حالی است که ویژگی‌های منحصر به فرد فضای سایبر خطر مضاعفی را به خشونت بخشیده است، یکی از مهم‌ترین فرامتغیرهای مؤثر در خشونت‌های سایبری وجود فاصله مجازی بین «دنیای سایبری» و «دنیای واقعی» است. در ارتباط آنلاین یک مرتکب ممکن است احساس جسارت کند، زیرا بیان کامنت‌های آزاردهنده با استفاده از یک صفحه‌کلید، انرژی و شهادت کمتری در مقایسه با استفاده از صدای فرد می‌طلبید (۶). مرتکبی که از پاسخ تصویری یا صوتی بزه‌دیده به سبب حضور صفحه نمایش در امان است، کمتر احتمال دارد که با بزه‌دیده احساس همدردی کند. همانطور که آلبرت باندورا (Albert Bandura) اشاره می‌کند، «صدمه‌زدن به دیگران هنگامی که زجرکشیدن آن‌ها قابل مشاهده نیست و با رفتارهایی که از لحاظ زمانی و مکانی از نتایجشان دور هستند، به نسبت ساده‌تر است» در وضعیت‌هایی که زجرکشیدن قربانی جرم، دیده یا شنیده می‌شود، پریشانی و خودپرهیزی انگیزشی به واسطه دیدن یا شنیدن عذاب‌کشیدن بزه‌دیده، به عنوان عوامل خودمراقبتی عمل می‌کنند (۷). با این حال فاصله مادی بین یک قلدر مجازی و یک بزه‌دیده زمینه‌ای ایجاد می‌کند که رفتار مجرمانه می‌تواند نادیده گرفته شده یا بی‌اهمیت تلقی شود و یک عدم تعادل قدرت بین مرتکب و بزه‌دیده ایجاد کند (۸). همچنین این موضوع، یعنی بعد مسافت در ارتباطات برخط و ناپیدایی بزه‌دیده، توجیهات بزه‌کار برای انکار مسئولیت را به مراتب آسان‌تر می‌کند (۹). گمنامی یا ناشناسی فرامتغیر دیگری هست که در خشونت سایبری نقش اساسی دارد. ناشناسی باعث می‌شود که در فضای مجازی کاربران بدون ترس از شناخته‌شدن دست به هر کاری بزنند. ناشناسی ممکن است عدم تعادل قدرت میان مباشر و بزه‌دیده را تشدید کند. یک بزه‌دیده ممکن است به دلیل ندانستن هویت مرتکب، احساس ترس و ناامنی را تجربه کند (۱۰). همچنین امکان دارد که به بزه‌دیده احساس

خشونت علیه زنان چه اشکالی به خود گرفته است؟؛ ثالثاً خشونت علیه زنان چه تأثیراتی بر آن‌ها داد؟؛ رابعاً راهبردهای سیاست جنایی مطلوب در مقابله با خشونت علیه زنان چیست؟

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، متکفل شناسایی مصادیق خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی برخط و آثار آن بر ایشان و تبیین برخی راهبردهای پاسخ‌دهی به مسأله است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش گویای این مطلب است که کاربران زن شبکه‌های اجتماعی که مورد بزه واقع می‌شوند ممکن است دچار صدمات روحی - روانی جبران‌ناپذیری شوند تا آنجا که به مرگ یا خودکشی آن‌ها بینجامد. نتیجه و نظریه این مقاله آن است که برای مقابله کارآمد در مقابل خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی اهتمام به پیشگیری از رهگذر آگاهی‌بخشی به بزه‌دیدگان، تشدید مجازات و افتراقی‌سازی مبتنی بر جنسیت و توجه به خواست بزه‌دیده و نیاز بزه‌کار در پارادایم عدالت ترمیمی ضروری است.

بحث

۱. فرامتغیرهای سایبری مؤثر در خشونت علیه زنان: خشونت از منظر اجتماعی به معنای حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی یا غیر فیزیکی یا کلامی، فرد خشن خواسته خود را به دیگران تحمیل می‌کند. از منظر حقوقی خشونت ورزی به خودی خود و مادام که مصداق توهین، تعرض یا مزاحمت نباشد، جرم شناخته نشده است. قانونگذار ایرانی برای برخی از مصادیق خشونت نظیر اهانت و تعرض

گروه‌های جمعیتی خاص بیشتر از دیگران در معرض خطرند. مطالعات پدیدارشناسی بزه‌دیدگی در بستر سایبر، نشان می‌دهد که زنان، از جمله «آسیب‌پذیرترین اقشار» در فضای سایبر هستند (۱۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برخلاف مشارکت ناچیز زنان در بزه‌کاری سایبری، آنان بیشترین سهم از «بزه‌دیدگی» را به خود اختصاص داده‌اند (۱۶). در جرائم سایبری نسبت بزه‌دیدگی زنان به بزه‌دیدگی مردان بسیار بالاتر است. زنان به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، آمادگی و استعداد خاصی برای بزه‌دیده‌شدن دارند و بر اساس مطالعات جرم‌شناختی بیشتر بزه‌کاران بالقوه با معیارهای عقلانی، قربانیان خود را در فضای حقیقی و مجازی از میان افراد آسیب‌پذیر انتخاب می‌کنند (۱۷)، البته دلبستگی و پیوند اجتماعی نیز از عواملی است که زنان را کمتر در معرض خشونت در فضای سایبر قرار می‌دهد، زمانی که فرد تعلق خاطر به خانواده و بستگان نزدیک دارد، بیشتر زمان را در کنار آن‌ها خواهد بود و کمتر حضور در فضای سایبر پیدا می‌کند. در واقع این به معنای کنترلی است که فراتر از خودکنترلی بر روی فرد اعمال می‌شود، خواه این کنترل از سوی خانواده، دوستان و خواه از محل کار و جامعه باشد. میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی هر قدر کمتر باشد، احتمال بیشتری دارد که فرد دچار آسیب شود (۱۸).

لذا می‌توان گفت در میان تمام جرائم مبتنی بر جنسیت، خشونت سایبری شدیدترین نوع تبعیض مبتنی بر جنسیت است، زیرا از قدرت غیر قابل کنترل و بی‌نهایت فناوری برای آزار و اذیت زنان و دختران جوان استفاده می‌شود و این موضوع از نظر اجتماعی، اقتصادی، روانی و جنسی بر زنان تأثیر گذاشته است (۱۹). مطابق با آمار جامعی که «مؤسسه تلاش برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های برخط» منتشر نموده است، در سال ۲۰۰۰، «۸۷ درصد» و در سال ۲۰۰۱، «۷۹/۳ درصد» در سال ۲۰۰۲، «۷۱ درصد» در سال ۲۰۰۳، «۷۰ درصد» در سال ۲۰۰۴، «۶۹ درصد» زن بودند، این نسبت نابرابر بین مردان و زنان بزه‌دیده تا سال ۲۰۱۰ ادامه دارد، به طوری که در این سال «۷۳ درصد» بزه‌دیدگان زن و «۲۷

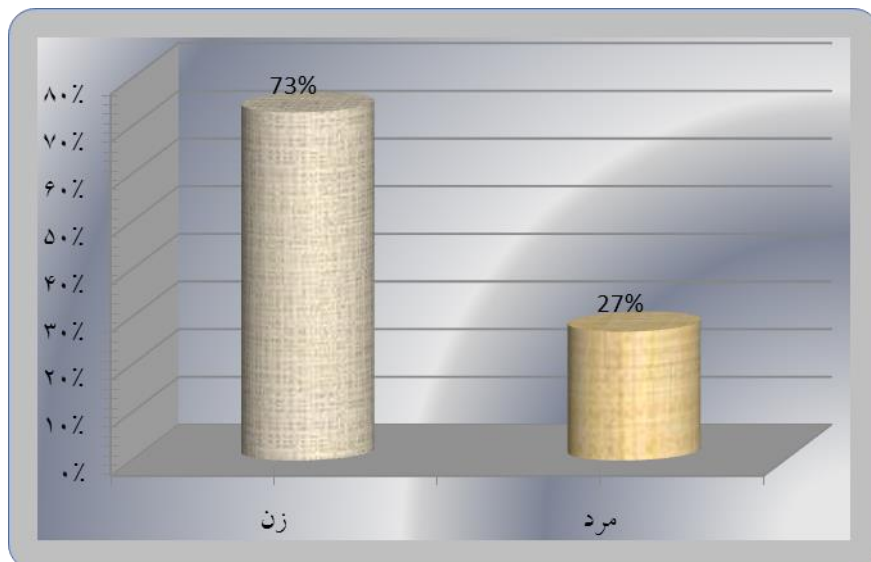
درماندگی و ناتوانی دست بدهد (۱۱). عدم آشنایی قبلی طرفین جرم، بزه‌کار را در ادعای غیر عمدی بودن ارتکاب جرم یاری می‌کند (۹). علاوه بر اینکه فضای سایبری یک محیط پوشیده است که هویت مرتکبان را مخفی می‌کند، استفاده از امکانات پنهان‌سازی توسط مرتکبان به کابوسی برای پلیس جهت کشف این جرائم شده است (۱۲). در حالت کلی ناشناخته‌ماندن مجرم در جرائم سایبری موجب دشواری کشف جرم می‌شود و از سوی دیگر به جسارت مجرم در ارتکاب جرم دامن می‌زند.

از دیگر فرامتن‌های تأثیرگذار در خشونت سایبری وجود مخاطبان بالقوه جهانی است، ماهیت فناوری به این‌گونه جدید از بزه اجازه می‌دهد تا به طور ویژه‌ای تحقیق‌آمیز باشد. تعداد بالقوه بی‌شمار شاهدان رفتار، ممکن است احساس ناتوانی بزه‌دیده را بیشتر کند (۸). از طرفی هم فقدان مرز در فضای سایبری باعث می‌شود که یک قلدر مجازی به وسیله موقعیت جغرافیایی محدود نمی‌شود و بزه‌دیده‌واقع‌شدن، دیگر محدود به زمان و مکان نمی‌باشد (۱۳)، چراکه فضای سایبر فضایی جهانی است که فارغ از مرزهای جغرافیایی عمل می‌کند و محدود به چهارچوب خطوطی که دولتمردان در طراحی نقشه‌های سیاسی رسم می‌کنند، نیست و از هیچ‌گونه محدودیت مکانی تبعیت نمی‌کند. سایبر یک گستره بدون مرز است که نمی‌توان در برابر آن خطوط مقسم کشید یا با مرزهای طبیعی یا مصنوعی آن را جدا ساخت (۱۴). همچنین تعامل و مشارکت توزیع یافته مخاطبان در این فضا سبب شده است که پس از اینکه محتوای مجرمانه توسط یک مخاطب ارسال شود، بزه‌دیده توانایی مهار اینکه از آن پس چه کسی محتوا را ذخیره و باز ارسال می‌کند، نداشته باشد (۱۳). این عجز بزه‌دیده از پاک کردن محتوای با قابلیت دسترسی همگانی در فضای سایبر، به بزه‌کار نسبت به بزه‌دیده تفوق می‌دهد (۸). افزون بر این تداوم احتمالی محتوایی که قابلیت دسترسی همگانی دارد، آلام بزه‌دیدگی بزه‌دیده را استمرار می‌دهد.

۲. گستردگی خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی: هر کسی ممکن است قربانی خشونت باشد، اما

نباید فراموش کرد که به دلایل مختلف، رقم سیاه بزه‌کاری علیه زنان نیز به مراتب بالاتر از رقم سیاه بزه‌کاری علیه مردان است.

درصد مرد بودند (۲۰). نسبت بالای بزه‌دیدگان مؤنث، به صورت پیوسته در ده سال گذشته به واقع ثابت می‌کند که زنان آسیب‌پذیرترین آماج در جرائم سایبری باقی مانده‌اند.



نمودار ۱: نسبت بزه‌دیدگی زنان به مردان در سال ۲۰۱۰

با این همه مراتب گوناگونی از کج‌روی‌های جنسی را حتی در متعادل‌ترین شخصیت‌ها می‌توان تشخیص داد (۲۵)، به این معنا که برخی از مرتکبان خشونت علیه زنان، شخصیت‌های اجتماعی به ظاهر سالمی و وجه اجتماعی بالایی دارند.

۳. گونه‌شناسی خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی: زنان در شبکه‌های اجتماعی به شیوه‌های مختلف توسط سوءاستفاده‌کنندگان که می‌توانند یک نفر و یا حتی گروهی از افراد باشند، بزه‌دیده می‌شوند. نوع بزه‌دیده‌شدن، بسته به عوامل گوناگون، مانند ایدئولوژی‌ها، وضعیت ازدواج، حرفه و مسئولیت‌های حرفه‌ای، مشارکت همیشگی در بعضی گروه‌های انتخابی، زبان و یا محبوبیت در یک گروه مشخص، متفاوت است. شاخصه‌هایی مانند سن و طبقه اجتماعی و تحصیلات می‌تواند در کاهش یا افزایش میزان خطر بزه‌دیدگی سایبری زنان نقش کلیدی داشته باشند (۲۶). زنانی که فاقد شغل هستند، زمان بیشتری را در فضای مجازی می‌گذرانند و این حضور بی‌هدف و پرسه‌مجازی زمینه‌ساز قربانی‌شدن آن‌ها

تبیین‌های مختلفی در خصوص علل کج‌روی‌های جنسی وجود دارد، از جمله تبیین زیست‌شناختی که نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی را علل کج‌روی می‌داند (۲۱). تبیین‌های روان‌شناختی، علل رفتارهای کج‌روانه را با نقص شخصیت و روان فرد کج‌رو توجیه می‌کنند و بر این باورند که برخی از گونه‌های شخصیت بیش از دیگران به کج‌روی جنسی تمایل دارند (۲۲). ترس، خودبینی، مهرطلبی غیر عادی، زودرنجی، دیرجوشی، بی‌پروایی، عدم قاطعیت، خیال‌پروری، زودباوری، تلقین‌پذیری، پیش‌داوری‌های ناصواب، سوءظن، ضعف احساسات، محرومیت‌ها و عقده‌ها، از جمله علل روانی هستند که در تبیین روان‌شناختی موضوع به کار می‌روند (۲۳)، اما بر اساس تبیین‌های جامعه‌شناختی، ریشه بسیاری از کج‌روی‌های جنسی را در شرایط و ساخت اجتماعی باید جستجو نمود. نتایج یک تحقیق آماری نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی و اجتماعی تأثیر به مراتب بالاتری نسبت به عوامل اقتصادی در بروز رفتارهای مجرمانه جنسی دارد (۲۴).

شخصی او و فعالیت آنلاین او پیوسته زیر نظر باشد. تعقیب ایدائی متضمن تهدید بزه‌دیده به بی‌آبرویی می‌باشد و ترس عمیقی در بزه‌دیده ایجاد می‌کند (۲۷).

۳-۳. تهدید غیر مستقیم: تهدید غیر مستقیم (Indirect Threat) شکلی از قلدری سایبری می‌باشد که با تعقیب سایبری نیز مرتبط است و عبارت است از یک ارتباط آنلاین تهدیدآمیز مبتنی بر قریب‌الوقوع بودن صدمه فیزیکی. برخلاف تعقیب سایبری، تهدید غیر مستقیم شامل یک تهدید واحد [در مورد] صدمه فیزیکی است که به طور غیر مستقیم در دامنه عمومی آنلاین منتشر می‌شود (۲۸).

۳-۴. آزار سایبری نوشتاری: آزار سایبری نوشتاری (Written Cyber Harassment) عبارت است از ارسال مکرر پیام‌های اهانت‌آمیز برای بزه‌دیده (۲۷) آزار و اذیت سایبری در مقایسه با گونه شفاهی تأثیر عمیق‌تر و طولانی‌تری بر قربانی می‌گذارد، مرتکبان معمولاً در رابطه با جنبه‌هایی که فرد نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد (مانند رنگ پوست، ظاهر فیزیکی، مذهب و قومیت) به قربانی حمله می‌کنند.

نوعی از آزار، آزار جنسی است که توسط کمیسیون حقوق بشر استرالیا به عنوان «هرگونه رفتار جنسی ناخواسته که باعث می‌شود فرد احساس توهین، تحقیر یا ترساندن کند» تعریف شده است. این پدیده در سال‌های اخیر به شدت رو به افزایش است. بر اساس تحقیقات انجام‌شده در مرکز تحقیقات پیو (Pew)، ۲۵ درصد از زنان آمریکایی بین سنین ۱۸ تا ۲۴ سال در مقطعی از زمان هدف آزار جنسی آنلاین قرار گرفته‌اند. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که در حدود ۲۸ درصد مواقع، قربانیان آزار و اذیت آنلاین این تجربه را بسیار ناراحت‌کننده می‌دانند (۲۹).

۳-۵. بدگویی: بدگویی (Denigration) ممکن است شامل یک اظهار نظر ناخوشایند درباره بزه‌دیده نزد دیگران باشد. این رفتار به چندین صورت بروز می‌کند؛ رفتار مذکور ممکن است از طریق استفاده از کلمات یا انتشار یک تصویر جنسی یا غیر جنسی ناخوشایند برای دیگران مهم بزه‌دیده انجام شود (۲۸).

را فراهم می‌کند (۳). این جرائم می‌توانند ماهیتاً جنسی یا غیر جنسی باشند. به طور مشخص خشونت سایبری مبتنی بر جنسیت (Gender-Based Cyber Violence) شامل سخنان نفرت‌پراکنی آنلاین، ترولینگ، آزار و اذیت سایبری، تعقیب سایبری، به اشتراک‌گذاری محتوای بدون رضایت، هک، سرقت هویت و جعل هویت، ارسال هرزنامه، تهدید مخرب و آزار و اذیت از طریق عکس‌ها و پست‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و سوءاستفاده جنسی مبتنی بر تصویر است (۱۹). در واقع خشونت سایبری در معنای عام به عنوان یک بزه علیه شخصیت معنوی، عنوان عامی برای هرگونه اقدام عامدانه و عالمانه بر ضد آبرو و اعتبار و آرامش یک زن با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. در برخی از مصادیق خشونت نمی‌توان از نقش بزه‌دیده در رخداد خشونت چشم پوشید. به عنوان مثال گاه بزه‌دیده با رفتارهای خود نظیر گذاشتن عکس‌ها و اظهار نظرهای نامناسب در خشونت و بزه‌دیدگی خویش نقش‌آفرین است. همچنین گاهی بزه‌دیده با حضور و عضویت خود در گروه‌های مجرمانه زمینه بزه‌دیدگی خویش را فراهم می‌نماید. موارد ذیل را می‌توان مصادیق مهم‌ترین و رایج‌ترین گونه‌های خشونت سایبری علیه زنان در نظر گرفت:

۳-۱. قلدری سایبری: قلدری سایبری (Cyberbullying) رفتاری است عمدی و پرخاش‌جویانه آنلاین به قصد صدمه به کسی که نمی‌تواند به آسانی از خودش دفاع کند (۸). عناصر کلیدی که قلدری سایبری را شکل می‌دهند، عبارتند از: قصد (رفتار باید مقصود باشد، یعنی غیر تصادفی باشد)، تهاجم (رفتار مهاجم باید توأم با خشونت باشد)، نامتوازنی قدرت (رفتار مذکور زور را یک‌جانبه و به صورت غیر تقابلی بر هدف {بزه‌دیده} اعمال کند) و تکرار (رفتار بیش از یک‌بار انجام شود).

۳-۲. تعقیب ایدائی سایبری: تعقیب ایدائی سایبری (Cyberstalking) به وضعیتی اطلاق می‌شود که کاربر زن در تمام گروه‌هایی که به آن‌ها پیوسته است، مخفیانه تعقیب شده و صفحات دوستانش به امید دیدن پست‌های او، نوشته‌های

۳-۱۰. **کلاهبرداری عاشقانه**: کلاهبرداری عاشقانه آنلاین (Online Romance Scam) یک کلاهبرداری بسیار موفق است که خسارت مالی و روحی قابل توجهی را به قربانیان خود وارد می‌کند (۳۳). باد و اندرسون (Budd & Anderson) (۲۰۰۹ م.) «کلاهبرداری عاشقانه» را به عنوان یک نوع خاص از کلاهبرداری مصرف‌کننده توصیف می‌کنند (۳۴). مرتکب روابط عاطفی با زنان ایجاد می‌کند و از این راه، زنان بعدها تبدیل به قربانیان فریب سایبری می‌گردند (۳۵). برای شروع این رفتار، کلاهبرداران عموماً از یک نمایه نادرست در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند (۳۶) و اغلب از عکس‌های باکیفیت بالا و ظاهر حرفه‌ای در ترکیب با توضیحات پروفایل جذاب برای جذب قربانیان احتمالی استفاده می‌کنند (۳۷). پس از برقراری تماس، کلاهبردار ارتباطات بیشتر را خارج از شبکه اجتماعی هدایت می‌کند. این کار به این دلیل انجام می‌شود که همیشه این خطر وجود دارد که نمایه جعلی به هر جهتی، از جمله گزارش قربانیان قبلی به حالت تعلیق درآید و در نتیجه کانال ارتباطی و به همراه آن تمام تلاش‌های قبلی در ایجاد رابطه از دست برود (۳۳). پس از اینکه کلاهبردار از طریق یک کانال خارجی تماس جایگزین برقرار کرد، به دنبال ایجاد اعتماد توسط قربانی در این مرحله است (۳۶). معمولاً پس از مدت‌زمان بسیار کوتاهی در رابطه، کلاهبردار شروع به ابراز عشق خود به قربانی می‌کند این اظهار عشق و احتمالاً شروع تأییدهای متقابل، اغلب محرک شروع مرحله بعدی تقلب خواهد بود. در مرحله آخر کلاهبردار با داستان‌های تخیلی که وی را در شرایط اضطراری نشان می‌دهد، درخواست پول می‌کند (۳۶). معمولاً یک داستان رایج این است که کلاهبردار مجبور است به دلیل خاص یا غم‌انگیزی مانند مرگ ناگهانی بستگانش به کشور دیگری سفر کند (۳۷) و به این ترتیب قربانی در دام کلاهبردار عاشقانه گرفتار می‌شود.

۳-۶. **کتک‌کاری تحقیرآمیز**: کتک‌کاری تحقیرآمیز (Happy Slapping) شامل فیلم‌گرفتن از حمله فیزیکی به بزه‌دیده و انتشار متعاقب آن برای تحقیر عمومی بزه‌دیده می‌باشد (۳۰). در واقع گونه‌های مختلفی از جرم و خشونت است که در آن ابتدا بزه‌دیده مورد حمله قرار می‌گیرند و سپس از این تهاجم با دوربین تلفن همراه فیلم‌برداری می‌شود. مهاجمان اغلب ویدیوها را با دوستان مشترک به اشتراک می‌گذارند (۳۱).

۳-۷. **مسدودسازی**: مسدودسازی (Exclusion) عبارت است از محروم‌شدن عمدی بزه‌دیده از ورود به بخش‌های آنلاین مانند یک چت‌روم خاص یا یک گروه بحث و گفتگو توسط اعضای آن دامنه‌های آنلاین (۳۲)، به عبارتی در یک گروه یا جمعیت که برای اجازه‌دادن به افراد برای بیان عقاید شخصی‌شان ساخته شده است و عموماً در یک گروه یا جمعیتی که غالباً آن‌ها اشتراکاتی از حیث جنسیت، مذهب و عقیده و... دارند، اعضای گروه ممکن است فرد خاصی را با ممنوع‌ساختن او به خاطر عقاید یا وضعیت خاصش بزه‌دیده سازند.

۳-۸. **تخلیه اطلاعاتی حيله‌گرانه**: تخلیه اطلاعاتی حيله‌گرانه (Outing and Trickery) مجموعه اقداماتی است که بزه‌دیده را به افشای اطلاعات سوق می‌دهد تا بعداً به منظور تحقیر بزه‌دیده توسط مرتکب انتشار یابد (۲۷). در حقیقت این جرم هم به صورت مرکب و در چند مرحله علیه بزه‌دیده صورت می‌گیرد ابتدا در قالب رفاقت و صمیمیت اسرار او به دست مرتکب می‌افتد و سپس از این اسرار سوءاستفاده می‌شود.

۳-۹. **جعل هویت افتراآمیز**: یکی دیگر از انواع خشونت جعل هویت افتراآمیز (Impersonation or Masquerading) است که در آن مرتکب غالباً با هک کردن سامانه‌های رمزنگاری به جای بزه‌دیده وارد صفحه وی در شبکه اجتماعی می‌شود و پیام‌های نامطلوب و مجرمانه‌ای را ارسال می‌کند، در حالی که کاربران گمان می‌کنند که فرستنده پیام‌ها شخص بزه‌دیده می‌باشد.



تصویر ۱: گونه‌های خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی

۴. آسیب‌های و صدمات ناشی از خشونت علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی: اگرچه اینترنت به زنان کمک می‌کند تا سلامتی جسمی و روحی خود را بهبود بخشند، ولی این امر، خالی از مخاطره نیست. خطراتی که شامل از دست‌دادن حریم خصوصی و اقسام خشونت سایبری می‌باشد. خشونت سایبری همانطور که با گستره‌ای از نتایج منفی، از جمله سطوح بالای اضطراب، افسردگی و مشکلات روان‌شناختی مرتبط بوده است، با مشکلات رفتاری، از جمله رفتارهای پرخطرانه و مصرف بیش از حد الکل نیز مرتبط است (۳۸) فراتر از این پژوهش‌ها نشان داده که قربانیان جرائم سایبری عواقب سلامت روان جدی‌تری را در مقایسه با قربانیان جرائم غیر سایبری تحمل می‌کنند (۳۹). در این راستا هالدرا (۲۰۰۷ م.) بر این نکته اشاره کرد که شبکه‌های اجتماعی تهدیدی را برای حریم خصوصی کاربران زن ایجاد می‌کند. بسیاری از زنان، بدون مطالعه قوانین حریم خصوصی یا بدون آگاهی از ترفندهای ایمنی چنین وبسایت‌هایی، خود را به عضویت آن‌ها درمی‌آورند. این بزه‌دیدگان اغلب به خاطر بی‌دقتی خودشان به

دام می‌افتند. به عنوان نمونه، زمانی که یک پروفایل تقلیدشده که از یک بزه‌دیده یا تصویر تغییر یافته او ایجاد شده، در صفحه خود او یا در آلبوم عکس دیگران ظاهر می‌شود - و یا حتی زمانی که از ایجاد مزاحمت برای او توسط دیگر کاربران مطلع می‌شود - یک حس گناه و شرم، او را فرامی‌گیرد. این تجربه زمانی بیشتر تکان‌دهنده می‌شود که بزه‌دیده، هرگونه یاری پلیس را به دلیل عدم شناسایی رسمی جرائم یا به خاطر عدم آگاهی رد می‌کند. سیترون (Citron) (۲۰۰۹ م.) خاطرنشان کرد که گفتگوی ناشی از نفرت در فضای سایبر که زنان را مورد هدف قرار می‌دهد، بیشتر از سایر جرائم آنلاین رنج‌آور است. این ضربه روحی زمانی عمیق‌تر می‌شود که فرد مزاحم، یک شخص گمنام است و هیچ راه حل مستقیمی را برای فهمیدن اینکه چه کسی است و چرا این حمله را انجام می‌دهد، باقی نمی‌گذارد. سیترون (۲۰۰۹ م.) همچنین نشان داد که چگونه کاربران دارای پروفایل ناشناخته می‌توانند به زنان در شبکه‌های اجتماعی آسیب برسانند. حملات اوباش‌گرانه افراد ناشناخته و ارسال پست توسط این افراد بر

طریق ممکن نمودند. بزه‌دیده دچار حس سرافکنندگی شد و از نظر روحی متحمل آسیب گردید (۴۱).

۵. سیاست جنایی مطلوب در مقابله با خشونت سایبری

علیه زنان: کنترل بزه‌کاری منوط به اتخاذ یک سیاست جنایی جامع، سنجیده و متناظر با نوع و ماهیت جرم است، لذا تدابیر مقابله‌ای در خصوص خشونت علیه زنان در فضای سایبر مستلزم توجه به مقولات مختلف، از جمله نرخ رقم سیاه و خاکستری جرم، امکان‌سنجی پیشگیری از جرم و شناسایی تدابیر کارآمد و مطلوب پیشگیرانه، توجه به نیاز و خواست بزه‌دیده و... است. در حال حاضر سیاست جنایی موجود برای مقابله با خشونت سایبری علیه زنان به مجازات منحصر شده است و قانونگذار صرف نظر از جنسیت بزه‌دیده و میزان آسیب‌پذیری او مجازات را ما به ازای رفتار مجرمانه مرتکب قرار داده است. این در حالی است که افتراقی‌سازی مجازات و تشدید کیفر در مواردی که بزه‌دیده یک زن است، ضروری به نظر می‌رسد. اضافه بر این بایسته است حمایت‌های تسهیلی و تسریعی برای دادخواهی بزه‌دیدگان زن در دستور کار قرار گیرد. همچنین به جهات مختلف و از جمله رقم بالای جرائم کشف‌نشده، و بزه‌کاران پرشماری که هرگز در دادگاه‌های عدالت کیفری گرفتار نمی‌شوند، نباید از تدابیر پیشگیرانه نظیر آگاهی‌بخشی به بزه‌دیدگان بالقوه غفلت نمود و در نهایت از آنجا که صدمات و آسیب‌های بزه‌دیده جز با دخالت او در فرآیند واکنش به جرم التیام نمی‌یابد و از آنجا که در جرائم سایبری برای بزه‌دیدگان اولین مطالبه، به رسمیت شناخته‌شدن بزه‌دیدگی ایشان است و با دیده تردید به تجربه قربانیان نگرستن پایان تلخ رنجی را که بر ایشان رفته است را به یک تلخی بی‌پایان از بزه‌دیدگی ثانویه تبدیل می‌نماید (۴۲)، لذا کاربست تدابیر عدالت ترمیمی ضروری است.

۵-۱. آگاهی‌بخشی به بزه‌دیدگان بالقوه: یکی از راه‌های

کاهش بحران خشونت علیه زنان کمک به آگاه‌سازی زنان است. آگاه‌سازی و استفاده بهینه از راهبردهای حساس‌سازی زنان برای پیشگیری از جرم تا حد زیادی می‌تواند به پیشگیری از جرائم سایبری منجر شود و در پی آن بار دستگاه

روی صفحه یک کاربر یا صفحات اجتماعی، هراس بیشتری را در کاربران زن ایجاد می‌کند. گاهی اوقات تحقیر همراه با آن کافی است تا قربانیان را به سمت خودآزاری یا خودکشی سوق دهد (۴۰).

به عنوان نمونه موارد زیر که تجربه زیسته برخی کاربران زن شبکه‌های اجتماعی است، نشان می‌دهد که چگونه خشونت سایبری صدمات غیر قابل جبران ایجاد نموده است:

در یک پرونده بزه‌دیده و فرد متخلف از طریق یک وبسایت شبکه اجتماعی با یکدیگر آشنا شدند. در نهایت آن‌ها شروع به ارسال پیوسته مطالب بر روی صفحات همدیگر نموده و به گفتگوی آنلاین با هم پرداختند. آن‌ها به آگاهی در مورد خانواده‌های یکدیگر از طریق تصاویری که در آلبوم‌های شخصی بزه‌دیده و فرد متخلف قرار داده شده بود، روی آوردند. سرانجام، آن دو عاشق یکدیگر شدند. فرد متخلف به خاطر تعهدات شغلی خود در یک کشور خارجی اقامت داشت و قول داد که زمانی که برگردد، حداکثر تا یک سال با بزه‌دیده ازدواج خواهد کرد. بعد از گذشت تاریخ مقرر، زمانی که بزه‌دیده با متخلف تماس برقرار کرد، فرد متخلف به کلی این قول را انکار نمود. وقتی که بزه‌دیده تلاش کرد که با اعضای خانواده او تماس حاصل کند، آن‌ها از او روی برگرداندند و او را به عواقبی وخیم در صورت تلاش برای ملاقات با آن مرد تهدید نمودند. بدین ترتیب بزه‌دیده به احساس فریب‌خوردن، شکست عاطفی و سرافکنندگی عمومی دچار شد.

در یک مورد دیگر، برادر بزه‌دیده، فرد متخلف بود. بزه‌دیده یکی از اعضای یک شبکه اجتماعی بود که افراد را تشویق می‌کرد تا در مورد برون‌دادهای عاطفی، نوسانات فکری و مانند این‌ها صحبت کنند. از آنجایی که بزه‌دیده و برادرش رابطه خوبی با هم نداشتند، فرد متخلف (برادر) از این شبکه اجتماعی استفاده کرد تا به مخاطبان گسترده‌ای بگوید که بزه‌دیده علت اصلی شکست‌هایش در زندگی بوده و به هر روش ممکن، او را بدنام ساخت. اعضا به تدریج گفته‌های فرد متخلف را باور کردند و شروع به سوءاستفاده از بزه‌دیده به هر

و یا با وقفه همراه باشد، رشد اخلاق سایبری و نیز درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی را با دشواری مواجه می‌کند.

۲-۵. تشدید مجازات و افتراقی‌سازی مبتنی بر

جنسیت: در زمینه بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر قوانین جهانی خاصی برای حمایت ویژه از حقوق زنان وجود ندارد. رویکرد اقتباسی قانونگذار ایران در جرم‌انگاری جرائم سایبری نیز باعث شده که حمایت لازم از زنان به عمل نیاید، توضیح بیشتر اینکه نظام حقوقی غرب در دوگانه آزادی بیان و کرامت انسان، جرم‌انگاری برخی رفتارها را با دیده تردید می‌نگرد و بسیاری از رفتارهای خلاف حرمت و شأن زنان را جرم نمی‌شمارد. با همین مبناست که نویسندگان کنوانسیون اتحادیه اروپا هیچ‌گاه بزه‌دیده‌شدن زنان در فضای مجازی را مسأله‌ای به بزرگی جرائم دیگر مانند هک در نظر نگرفته‌اند. سیاست کیفری ایجاب می‌کند که با تشدید مجازات برخی از جرائم، حمایت لازم از بانوان که آسیب‌پذیری بیشتری در قبال خشونت برخط دارند، به عمل آید. قوانین تشدید حساس به جنسیت و سن بزه‌دیدگان که به موجب آن‌ها جرائم علیه دسته خاصی از بزه‌دیدگان مجازات بیشتری دارد، یک ابزار مناسب برای کنترل نرخ جرم می‌باشد، چراکه مجرمان حسابگر را از ارتکاب جرم علیه این دسته خاص از بزه‌دیدگان منصرف می‌کند. متأسفانه این تدابیر در خصوص زنان در قانون جرائم رایانه‌ای هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته است، به طور مثال جا داشت که قانونگذار در ماده ۱۶ قانون جرائم رایانه‌ای که به جرم‌انگاری «هتک حیثیت از طریق تحریف‌نگاری هویت یا هرزه‌نگاری شخصیت» پرداخته است، موردی را که بزه‌دیده زن است، به جهت قباحت بیشتر عمل از نظر عرف و شرع و آسیب‌پذیری بیشتر زنان تشدید می‌نمود.

جرم‌انگاری ویژه یا افتراقی که علاوه بر تفاوت در درجه مجازات به کیفیت‌های دیگر نیز توجه دارد و معمولاً ناظر بر یک معیار آسیب‌شناسانه بزه‌دیده است را جرم‌انگاری افتراقی یا فرق‌گذار می‌نامند. در این‌گونه از جرم‌انگاری علاوه بر تشدید مجازات، قانونگذار درصدد وضع تدابیری متناسب با اوضاع و احوال بزه‌دیده است. در خصوص افتراقی‌سازی مقابله با

عدالت کیفری در امر پیشگیری از جرم بسیار سبک خواهد شد. در حقیقت تدابیر آگاهی‌بخش به منظور درک تهدیدهای سایبری و نیز ایمن‌سازی زنان در برابر این آسیب‌ها است. بحث آموزش و آگاه‌سازی بزه‌دیدگان بالقوه و تعلیم و تربیت آن‌ها برای فضای مجازی، ضرورتی با فوریت بالا دارد، چه آنکه این فضا، فضای فرامکان، فرازمان، سریع و جهانی است. اولین محیطی که توجه متصدیان پیشگیری را به خود جلب می‌کند، خانواده و به تبع آن والدین است. والدین می‌بایست با آگاهی‌بخشی به دخترچه‌ای که بیشتر وقت خود را در فضای مجازی سپری می‌کند، او را از خطرات فراوانی که در کمین اوست، آگاه کنند و در کنترل رفت‌وآمدهای او در فضای مجازی همان دقتی را به خرج دهند که در فضای واقعی بر آن اهتمام دارند. به نظر می‌رسد نظارت کافی از سوی خانواده‌ها بر استفاده فرزندانشان از اینترنت وجود ندارد و این عدم نظارت، نه از بی‌توجهی آن‌ها، بلکه به دلیل پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای به ویژه، جنبه فناورانه آن در بین والدین است. (۴۳).

نوظهور بودن جرائم سایبری، کثرت بزه‌دیدگان زن در فضای سایبر و عدم درک دقیق آثار تهدیدات سایبری و نیز غیر قابل سنجش و غیر فیزیکی بودن آن‌ها، ضرورت تکیه بر تدابیر آموزشی - آگاهی‌ساز را در این دسته جرائم بیش از هر جرم و انحراف دیگری موجه می‌سازد. این در حالی است که اکثریت زنان بدون آگاهی از هیچ یک از محافظ‌های ایمنی به وب‌سایت‌های شبکه‌های اجتماعی می‌پیوندند. با توجه به وخامت این معضل همه‌گیر، ضروری است سیاستگذاران ضمن آگاه‌سازی زنان نه‌تنها از آنان حمایت نمایند، بلکه از خود آنان به عنوان جبهه اصلی و صف مقدم مبارزه با بحران جرائم سایبری بهره‌برداری کنند (۴۴). کاربران زن باید از تجارب گذشته سایر بزه‌دیدگان درس بگیرند تا خودشان را در برابر سوءاستفاده جنسی آنلاین محافظت کنند (۴۵). در راستای اجرای پیشگیری بزه‌دیدگی سایبری، هیچ ابزاری به اندازه آموزش نمی‌تواند مؤثر واقع شود، آموزشی که همزمان با آغاز شکل‌گیری شخصیت، یعنی از دوران کودکی به طور مستمر تا دوران نوجوانی و جوانی ادامه یابد. هرچه این آموزش کندتر

به حمایت از حریم خصوصی بزه‌دیدگان سایبری زن» ضرورت دارد.

۵-۲-۱. پیش‌بینی شعب تخصصی: از یکسو جرائم علیه زنان اقتضا می‌نماید که شعب خاصی به پرونده‌های مربوطه در این زمینه رسیدگی نمایند و از سوی دیگر جرائم سایبری نیز اقتضا می‌کند که رسیدگی به پرونده‌های کیفری در این زمینه به صورت تخصصی در شعب خاصی، رسیدگی شود. این دو مهم، در کنار گستره روزافزون بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر جملگی بر ضرورت تشکیل شعب تخصصی که تنها به جرائم سایبری علیه زنان رسیدگی کند را دلالت می‌نماید (در حال حاضر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ بحث شعب تخصصی برای جرایم رایانه‌ای مطرح شده است).

۵-۲-۲. معاضدت و مشاوره تخصصی به بزه‌دیدگان زن جهت طرح دعوی کیفری: اصولاً طرح دعوا اعم از حقوقی و کیفری به مشاوره با اصحاب نظر نیازمند است؛ در این میان جرائم سایبری، علاوه بر بحث عدم آگاهی از چگونگی طرح دعوا، مشکلات تخصصی فنی خود را برای اثبات جرم نیازمند است؛ مطابق با برخی بررسی‌های انجام‌شده، تعداد زیادی از بزه‌دیدگان به دلیل عدم آشنایی با شیوه طرح دعوا و عدم آگاهی از چگونگی تحصیل دلیل و اثبات جرم در فضای سایبر، شکایت از جرائم سایبری را بی‌فایده می‌دانند (۴۶)، لذا وجود نهادی برای تفهیم این امور به بزه‌دیدگان ضروری به نظر می‌رسد.

۵-۲-۳. حمایت از حریم خصوصی بزه‌دیدگان سایبری زن: یک دلیل بارز اقدام‌نمودن به تعقیب کیفری، ترس از رسوایی است. در این میان، جرائم علیه زنان به ویژه جرائمی که مستقیم یا غیر مستقیم به جنسیت مربوط می‌شود، غالباً به همین دلیل، رقم سیاه بالاتری را به خود اختصاص می‌دهند. قانونگذار کیفری با تضمین حمایت از حریم خصوصی زنان از رهگذر قوانین شکلی می‌تواند به مقابله کارآمدتری با جرائم سایبری پرداخته و رقم سیاه جرائم علیه زنان در فضای سایبر را کاهش دهد.

خشونت علیه زنان می‌تواند بر حمایت‌های قانونی که در راستای تسریع دادرسی و تسهیل دادخواهی صورت می‌گیرد، تأکید کرد، چه آنکه در بسیاری از موارد بزه‌دیدگی، بزه‌دیده زن به جهت اطاله روند رسیدگی به بزه‌دیدگی مجدد نیز دچار می‌شود. به طور مثال جرم توهین در محیط واقعی حتی اگر با فاصله مدتی از زمان وقوع مورد رسیدگی قرار گیرد، تفاوت چندانی از حیث گستردگی جرم به وجود نخواهد آمد، لکن همین جرم هنگامی که با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و در فضای سایبر و به طور مثال در یک شبکه اجتماعی رخ دهد، شرایط متفاوت خواهد بود و هر قدر عبارات توهین‌آمیز مدت بیشتری بر روی وبسایت شبکه اجتماعی باشد، بزه‌دیدگی کاربر زن دامنه گسترده‌تری می‌یابد. از سوی دیگر برای توجیه تسریع در فرآیند رسیدگی می‌توان به سرعت بالای جرم استناد کرد؛ جرائم فضای مجازی می‌بایست با همین سرعت که وقوع می‌یابند با همین سرعت هم مورد رسیدگی قرار گیرند، در غیر این صورت پادزهر جرم‌انگاری اثربخشی چندانی نخواهد داشت. بنا بر آنچه که گفته شد، انتظار می‌رود قانونگذار کلیه جرائم علیه زنان به ویژه جرائم منافی عفت را با فوریت و سرعت بیشتری مورد رسیدگی قرار دهد. همچنین با توجه به نسبت نابرابر بزه‌دیدگی زنان در مقایسه با مردان در فضای سایبر و آسیب‌پذیری مضاعف این دسته از بزه‌دیدگان تمهید تسهیلات حمایتی برای بزه‌دیدگان زن ضرورت دارد. در واقع قانونگذار می‌تواند از یکسو با آسان‌سازی فرآیند اقامه دعوی و دادرسی برای بزه‌دیدگان زن و از سوی دیگر با فوریت‌دهی به این‌گونه از پرونده‌ها حمایت کیفری شکلی از بزه‌دیدگان زن را به منصفه ظهور برساند. به بیان دیگر، حمایت شکلی عبارت است از پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حق و برآورده کردن نیازهای بزه‌دیدگان به ویژه جبران خسارت یا تسهیل آن در سراسر فرآیند جنایی (۴۶). در راستای تحقق حمایت تسهیلی از زنان در دستور کار قرار دادن «شعبات تخصصی رسیدگی به جرائم سایبری علیه زنان»، «معاضدت و مشاوره تخصصی به بزه‌دیدگان زن جهت طرح دعوی کیفری» و «احترام مضاعف

چهارچوب عدالت ترمیمی دربرگیرنده بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه محلی بوده و در تلاش برای ایجاد رویکردی متعادل است که بزه‌کارمدار و در عین حال بزه‌دیده‌مدار می‌باشد (۵۱). در جایی که الگوی قضایی سنتی بر سرزنش‌کردن و سزادهی صرف تمرکز دارد (الگوی قضایی مجرم‌محور)، یک فرایند ترمیمی بر گفتگوی حل و فصل‌کننده، تعاملی، اصلاح آسیب اجتماعی و بالآوردن امکان بخشش متمرکز می‌باشد (الگوی قضایی بزه‌دیده‌محور) (۵۲)، به گونه‌ای که با اهتمام به خواست بزه‌دیده آلام فروخورده او التیام می‌یابد و با توجه به نیازهای بزه‌کار زمینه بزه‌کاری مجدد وی برطرف می‌شود.

نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی مجازی، بستری نوین برای ارتباطات اجتماعی فراهم آورده است. با وجود کارکردها و امتیازات بی‌نظیری که این شبکه‌های اجتماعی در جهت تسهیل تعاملات اجتماعی فراهم آورده نباید از آسیب‌ها و جنبه‌های تاریک آن غافل شد. نوین‌بودن این شبکه‌ها و ناشناخته‌بودن ابعاد و قوه آن جهت ارتکاب جرم برای قانونگذار و جامعه قضایی کشور به خطر مضاعف آن دامن زده است. نسبت بالا و نابرابر میان مردان و زنان بزه‌دیده از جرائم خشونت‌محور سایبری، تفاوت اثر بزه‌دیدگی میان مردان و زنان، توجه جدی به این قشر از کاربران را می‌طلبد، چه آنکه صدمات روحی - روانی وارد بر زنان بسیار عمیق و گسترده است. بنا بر آنچه که گفته شد، انتظار می‌رود در قالب یک سیاست جنایی جامع اولاً متصدیان عدالت کیفری و پیشگیری از جرم در قوه قضاییه و پلیس فتا با آگاهی‌بخشی به بزه‌دیدگان بالقوه، آن‌ها را از انواع خطرانی که در کمینشان است، آگاه نموده و به ابزارهای دفاعی موجود در شبکه‌های اجتماعی برخط مانند ابزار مسدودسازی کاربر مزاحم، گزارش هرزنامه، گزارش محتوای خشونت‌آمیز و... مجهز نمایند؛ ثانیاً قانونگذار تشدید مجازات و افتراقی‌سازی مقابله با جرم بر مبنای جنسیت را در دستور کار قرار دهد و ضمن تسریع در رسیدگی به جرائم خشونت‌آمیز علیه بانوان نهادهای حمایتی دادخواهی نظیر معاضدت و مشاوره تخصصی به بزه‌دیدگان زن

۳-۵. **کاربست تدابیر ترمیمی:** از جمله الگوهای جدید در حقوق کیفری، الگوی عدالت ترمیمی (Restorative Justice) می‌باشد که بر حل و فصل مسائل حقوقی ناشی از بزه، با مشارکت بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه از طریق گفتگو و برقراری فضای صلح و آشتی در سطح اجتماع تأکید دارد. این الگو بر مبانی خاصی از علوم انسان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی استوار است (۴۷). کسانی که هیچ پیشینه ذهنی از بسترهای شکل‌گیری عدالت ترمیمی ندارند، متعجب نمی‌شوند، اگر به لحاظ اقتضای ویژه فضای سایبری به آنان گفته شود: «عدالت ترمیمی ابتدا برای پاسخ‌دهی به بزه‌کاری سایبری متولد و سپس از این الگو برای سایر جرائم استفاده می‌شود» (۴۸). این به جهت تناسب و تناظر عدالت ترمیمی با ویژگی‌های بزه‌کار و بزه‌دیده سایبری است؛ از سوی دیگر خصوصیات منحصر به فرد فضای سایبری، به ناکارآمدی الگوی کیفری در این فضا دامن زده است، چراکه فضای سایبری گستره عرضی و نه یک نظام طولی است، لذا مدل هرمی گزارش واقعه مجرمانه، اخذ دستور تحقیق و تعقیب، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات که در جرائم سایبری به کار گرفته می‌شود، در این دسته از جرائم قابل اعمال نیست (۹). غیر قابل تخمین‌بودن شمار جرائم سایبری و بالابودن ارقام سیاه و خاکستری در این‌گونه جرائم، دلیل دیگری بر ناکارآمدی سیاست جنایی دولتی در قبال این دسته از جرائم است (فقط ۵ درصد جرایم رایانه‌ای به مجریان قانون گزارش شده‌اند). برخلاف عدالت کیفری سنتی که استفاده از احساساتی همانند ترس جهت تحقق ارعاب، تقصیر جهت تحقق سزادهی و ناتوانی جهت ایجاد بازپروری تأکید و توجه شده است (۴۹)، در رویکرد ترمیمی بر حس شرم و نقش اساسی آن در پیشگیری از تکرار بزه‌کاری تأکید می‌شود. عدالت ترمیمی بر این اصل استوار است که اکثر پاسخ‌های کارآمد به جرم، مرتکب را متوجه رفتار خود کرده و به جای افزایش احساس انزوا و برچسب‌زنی، وی را مجدداً وارد اجتماع می‌نماید (۵۰). عدالت ترمیمی نشانگر تغییری پارادایمی در شیوه توزیع عدالت در نظام‌های عدالت کیفری است.

جهت طرح دعوی کیفری را در دستور قانونگذاری قرار دهد و جهت جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد ایشان رعایت حریم خصوصی بانوان در مرحله رسیدگی مورد اهتمام ویژه قرار دهد؛ ثالثاً محاکم در انتخاب نوع و میزان کیفر به خواست بزه‌دیده و نیاز بزه‌کار توجه نماید و با پیشبرد محکومیت در پارادایم عدالت ترمیمی به احیای زود هنگام بزه‌دیده و تکرار از بزه‌کاری مجدد بزه‌کار اهتمام ورزند. در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران و فعالان در زمینه فضای مجازی و به ویژه شبکه‌های اجتماعی با پژوهش و کار علمی به شناسایی ابعاد ناشناخته شبکه‌های اجتماعی بپردازند و از خطر مضاعف این شبکه‌ها برای کاربران به ویژه زنان پرده بردارند و با هشدار به کاربران زن، آن‌ها را از انواع بزه‌دیدگی در شبکه‌های اجتماعی آگاه سازند.

مشارکت نویسندگان

احسان سلیمی قلعه‌ئی: نگارش مقاله، جمع‌آوری مطالب، بررسی، تحلیل، گردآوری منابع.
 آیدا حسین‌زاده قدیم: نگارش مقاله، جمع‌آوری مطالب، بررسی، گردآوری منابع.
 سپیده بوذری: بررسی، تحلیل، گردآوری منابع، بازبینی، اصلاح و تکمیل مقاله.
 نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. McFarlane L, Bocij P. Cyber stalking: Defining the invasion of cyberspace. *Forensic Update*. 2003; 5(72): 18-22.
2. Picca G. Pour une politique du crime. Translated by Najafi Abrandabadi AH. Tehran: Mizan Publications; 2011. [Persian]
3. Abuzari M. Criminology of cybercrimes. Tehran: Mizan Publications; 2016. [Persian]
4. United Nations Commission on Gender Studies. 2015.
5. Soheila Sadeghi Fasaei S, Mirhosseini Z. A Study on Factors Affecting Victimization of Woman Living in Tehran. *Woman in Development and Politics*. 2011; 9(1): 35-62. [Persian]
6. Patchin JW, Hinduja S. Bullies Move Beyond the Schoolyard: A Preliminary Look at Cyberbullying. *Youth Violence and Juvenile Justice*. 2006; 4(2): 148-169.
7. Bandura A. Social Cognitive Theory of Moral Thought and Action. Edited by Kurtines WM, Gewirtz JL. *Handbook of Moral Behavior and Development*. Hillsdale, NJ: Erlbaum; 1991. Vol.1 p.86.
8. Langos C, Sarre R. Responding to cyberbullying: The case for family conferencing. *Deakin Law Review Volume*. 2015; 20(2): 299-319.
9. Haji Dehabadi MA, Salimi E. Publicization of crime in cyberspace from etiology to response in the paradigm of restorative justice, encyclopedia of restorative justice. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]
10. Nocentini A, Calmaestra J, Schultze-Krumbholz A, Scheithauer H, Menesini E, Calmaestra J, et al. Cyberbullying: Labels, Behaviours and Definition in Three European Countries. *Australian Journal of Guidance & Counselling*. 2010; 20(2): 129-142.
11. Vandebosch H, Cleemput K. Defining Cyberbullying: A Qualitative Research into Perceptions of Youngsters. *CyberPsychology & Behaviour*. 2008; 11(4): 499-503.
12. Karami D. Differential criminal policy in cybercrimes with an emphasis on Iran's criminal law. Doctoral Dissertation. Qom: Qom University; 2015. [Persian]
13. Bluett-Boyd N, Fileborn B, Quadara A, Moore S. The Role of Emerging Communication Technologies in Experiences of Sexual Violence: A New Legal Frontier? *Australian Institute of Family Studies*. 2013; 23(19): 27-40.
14. Fazli M. Criminal liability in cyberspace. Tehran: Khorsandi Publications; 2009. [Persian]
15. Hutton S, Haantz S. Cyber stalking. 2003. Retrieved from National White Collar Crime Center Web site: <http://www.nw3c.org>.
16. Mohammad Kourehpaz H. Criminal profile of cyber criminals. Master's Thesis. Tehran: Farabi Campus, University of Tehran, Faculty of Law, Criminal Law and Criminology; 2014. [Persian]
17. Shahideh F. Victimology: The role of the victim in the commission of crime and punishment. Tehran: Majd Publications; 2014. [Persian]
18. Hematpoor B, Mohseni RA, Mazaheri AM. Sociological Identification and Explanation of Violence against Women in Cyber Space (Case Study: Women 20-45 years old in Tehran). *Women's Studies*. 2018; 8(22): 105-131. [Persian]
19. Armiwulan H. Gender-Based Cyber Violence: A Challenge to Gender Equality in Indonesia. *International Journal of Cyber Criminology*. 2021; 15(2): 102-111.
20. Halder D, Jaishankar K. Cybercrime and the victimization of women: Laws, rights and regulations. Hershey: Information Science Reference (IGI Global); 2012. p.4-5.
21. Salimi A, Davari M. *Sociology of Crime*. 1st ed. Qom: Hozha Research Institute and Qom University; 2018. p.89. [Persian]
22. Wrightsman LS, Nietzel MT, Fortune WH. *Psychology and legal system*. 4th ed. Pacific Grove: Brooks/Cole Publishing Company; 1998.
23. Nasiri M. Sexual dysfunction, its causes and background. *Social Welfare Quarterly*. 2002; 5(2): 221-238.
24. Wasifian F. Identifying the effective factors in women's sexual deviations from the point of view of men and women. *Quarterly Journals of Islam and Educational Research*. 2009; 1(1): 145-146.
25. Nikgozar A. *Principles of Sociology*. 1st ed. Tehran: Tootia Publications; 1990. p.352. [Persian]
26. Shamlou B. *Encyclopedia of Cyber Behavior*. Tehran: Mizan Publications; 2022. [Persian]
27. Willard NE. *Cyberbullying and Cyberthreats: Responding to the Challenge of Online Social Aggression, Threats and Distress*. Champaign, Illinois: Research Press; 2007.

28. Langos C. Cyberbullying , Associated Harm and the Criminal Law. PhD Thesis. Adelaide: University of South Australia; 2013. p.55-60, 64-66.
29. Patchin WJ, Hinduja S. Bullies Move Beyond the Schoolyard: A Preliminary Look at Cyberbullying. *Youth Violence and Juvenile Justice*. 2006; 4(2): 148-169.
30. Chan S, Khader M, Ang J, Tan EMY, Khoo K, Chin J. Understanding "Happy Slapping". *International Journal of Police Science and Management*. 2012; 14(1): 42-57.
31. Available at: <https://libguides.wigan-leigh.ac.uk>.
32. Bauman SH. Cyberbullying: A Virtual Menace. Melbourne: Paper Presented at the National Coalition against Bullying National Conference; 2007. p.2.
33. Kopp C, Layton R, Sillitoe J, Gondal I. The Role of Love stories in Romance Scams: A Qualitative Analysis of Fraudulent Profiles. *International Journal of Cyber Criminology*. 2015; 9(2): 205-217.
34. Stabek A, Brown S, Watters P. The case for a consistent cyber scam classification framework (CCCF). *Symposia and Workshops on Ubiquitous, Autonomic and Trusted Computing*. 2009; 525-530.
35. Whitty MT. The realness of cyber cheating: Men's and women's representations of unfaithful Internet relationships. *Social Science Computer Review*. 2005; 23(1): 57-67.
36. Budd C, Anderson J. Consumer fraud in Australasia: Results of the Australasian consumer fraud taskforce online Australia surveys 2008 and 2009. *Technical and Background Paper*. 2009; 43: 6.
37. Rege A. What's love got to do with it? Exploring online dating scams and identity fraud. *International Journal of Cyber Criminology*. 2009; 3(2): 494-512.
38. Sourander A, Klomek AB, Ikonen M, Lindroos J, Koskelainen M, et al. Psychosocial Risk Factors Associated with Cyberbullying among Adolescents: A Population-Based Study. *Archives of General Psychiatry*. 2010; 67(7): 720-728.
39. Campbell M, Spears B, Slee P, Butler D, Kift S. Victims Perceptions of Traditional and Cyberbullying and the Psychological Correlates of their Victimization. *Emotional and Behavioral Difficulties*. 2012; 17(3-4): 389-401.
40. Mahbub S, Pardede E, Kayes ASM. Detection of Harassment Type of Cyberbullying: A Dictionary of Approach Words and Its Impact. *Security and Communication Networks*. 2021; 2021: Article ID.5594175: 1-12.
41. Available at: <http://www.haltabase.org>.
42. Zakir Hossein MA. Abstract of the articles of the International Conference on Restorative Justice and Crime Prevention. Tehran: Mizan Publications; 2016. [Persian]
43. Salimi E. Victimization of women in the cyber space. Master's Thesis of Criminal Law and Criminology. Tehran: Farabi Campus of Tehran University; 2014. [Persian]
44. Razavifard B, Mohammad Kourehpaz H. Preventive awareness-building educational strategies: A necessity for cyber deviance control programs. *Karagah Magazine*. 2(8): 84-102. [Persian]
45. Doring N. Feminist views of cybersex: Victimization, liberation and empowerment. *Cyber Psychology and Behavior*. 2000; 3(5): 863-884.
46. Darbandi Farahani E. Criminological approach to cybercrime. Master Thesis of Criminal Law and Criminology. Qom: Mofid University; 2013. [Persian]
47. Haji Dehabadi MA, Rahimi H. Sociological foundations of restorative justice (with emphasis on the relationship between social capital and restorative justice and crime prevention) encyclopedia of restorative justice. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]
48. Mohammad Korehpaz H. Abstract of the articles of the International Conference on Restorative Justice and Crime Prevention. Tehran: Mizan Publications; 2016. [Persian]
49. Gholami H. Shame and prevention of recidivism. *Journal of Crime Prevention Studies*. 2009; 4(10): 52-86. [Persian]
50. Ebrahimi S. Prevention of recidivism in the light of social rehabilitation of criminals. Tehran: Mizan Publications; 2015. [Persian]
51. Shayan A. Justice for Victims, United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention, International Center for Crime Prevention. Tehran: Salsabil Publications; 2005. [Persian]
52. Sarre R. Restorative Justice: Translating the Theory into Practice. *Notre Dame Australia Law Review*. 1999; 1: 11-25.